

تاریخ و فرهنگ باستان آذربادگان
در پاسخ به پان ترکیسم انیران

عزت الله فولادوند دورودی

www.ketab.ir



مشر برشم

سرشناسه	: فولادوند، عزت‌الله، ۱۳۱۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخ و فرهنگ باستان آذربادگان در پاسخ به پان‌ترکیسم انیران / عزت‌الله فولادوند دورودی.
مشخصات نشر	: تهران: نشر برسم، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۳۸-۱۳-۹
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت: کتابنامه	: ص. [۱۶۹] - ۱۷۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: آذربایجان -- تاریخ
موضوع	: Azerbaijan (Iran) -- History
موضوع	: آذربایجانی‌ها -- ایران -- هویت قومی
موضوع	: Azerbaijan -- Iran -- Identity
موضوع	: ترک‌ها -- ایران -- هویت قومی
موضوع	: Turkic peoples -- Iran -- Identity
موضوع	: پان‌ترکیسم
موضوع	: Pan-Turanianism
رده‌بندی کنگره	: DSR ۲۰۰۱ :
رده‌بندی دیویی	: ۳ / ۹۵۵ :
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۸۵۱۹۹۰۱ :
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی : فیپا	

www.ketab.ir

نشر برسم

دفتر: تهران، میدان رسالت، خیابان هنگام، خیابان قزوینی، پلاک ۶۶، طبقه اول

تلفن: ۷۷۲۰۷۰۹۴ تلفن همراه: ۰۹۱۹۳۳۹۰۳۳۴

barsam_publishing

تاریخ و فرهنگ باستان آذرآبادگان در پاسخ به بان ترکیسم انیران

عزت‌الله فولادوند دورودی

ویراستار: مهناز فیروزمند - هفته‌نامه امرداد

طراح جلد: هوخت پاریسی

ناشر: نشر برسم

چاپ نخست: پاییز ۱۴۰۰

تیراز: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۳۸-۱۳-۹

کلیه حقوق و امتیازات کتاب محفوظ است.

فهرست

۷. پیشگفتار.....
۱۳. ۱. آذربایجان.....
۱۵. ۲. مرزهای جغرافیایی آذربایجان.....
۱۹. ۳. نام آذربایجان.....
۳۱. ۴. زبان مردم آذربایجان.....
۶۱. ۵. زبان ترکی چه گونه، و از کی به آذربایجان راه یافته؟.....
۷۷. ۶. آیا زبان مردم آذربایجان در دوره صفویان ترکی بوده است، یا آذری؟.....
۷. چه گونه زبان ترکی در عصر سیاه سلطنت قاجار، با نقشه و نیرنگ و
۸۹. فریب بیگانگان بر مردم آذربایجان تحمیل شد؟!.....
۱۰۳. ۸. نقش شاهسون‌ها و شقاقی‌ها در دگرگونی زبان مردم آذربایجان.....
۹. بازمانده‌هایی از گویش تاتی و هرزنی در روستاهای آذربایجان کنونی به
۱۱۵. روایت عبدالعلی کارنگ.....

پیوست‌ها:

۱۲۵. ۱. رویدادهای انکارناپذیر، در رد گمانه‌های دروغ‌پردازان.....
۱۴۱. ۲. پان‌ترکیسم و کارکرد فرهنگ و تاریخ ایران.....
۱۵۷. ۳. پاسخ به میرعلی سیدوف.....
۱۶۳. ۴. فردوسی و تنگی قافیه؟!.....
۱۶۹. کتابنامه.....
۱۷۳. نمایه- کسان.....
۱۸۳. نمایه- جاها.....

پیشگفتار

تاریخ از عهد نکیت و ننگ فرمانروایان قاجار، که جز خیانت و شکست، فساد و تهی‌دستی، ویرانی و نابیه‌سامانی، سرکوب و تجاوز، غارت دسترنج فرودستان جامعه، چیز دیگری به یاد ندارد؛ کشور ما به راستی مستعمره‌ای بوده است دست و پا بسته روس و انگلیس، که نسبت بدان از هیچ جنایت و ستمی فروگذار نکرده‌اند.

دخالت‌های ایران‌برانداز این دو استعمارگر، در کنار هرج و مرج و پریشانی و بی‌قانونی ناشی از بی‌کفایتی و نادانی و بی‌خبری و بلاهت این سلاطین جاهل، و خیانت‌پیشگی و وطن‌فروشی رجال و درباریان نالایقشان، همچنین دورنگه داشتن مردم از دخالت در اوضاع رقت‌بار کشور، و ممانعت آنان از همراه شدن با کاروان دانش و هنر و فن‌آوری جهان رو به پیشرفت؛ همه و همه عواملی بوده‌اند تا مملکت غارت شده و عقب‌مانده ما را در بدترین شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی، ناخواسته و نادانسته، به جنگ‌هایی چندین ساله با روسیه پرقدرت تزاری وادار کنند که حاصلش شکست‌هایی مفتضحانه بود و از دست دادن شهرهای آباد و ایالت‌های پهناور قفقاز (۱۲۴۳ هـ. ق)؛ که این شکست‌های شرم‌آور یا رویدادهای هولناک و فراموش‌ناشدنی، در تاریخ این مملکت و ملت، جداشدن فرارود (= ماوراءالنهر) با شهرهایی به یاد ماندنی چون: سمرقند و بخارا و اسروشنه و ترمذ و خجند را در پی داشت و استقلال افغانستان و جدایی بخش بزرگی از بلوچستان، با طرح و دسیسه‌های دولت فحیمه بریتانیای فریب‌کار، باز هم در دوره دودمان خائن قاجار.

در آن وضعیت دردناک که جامعه ناآگاه و رنج‌دیده ما همچنان داشت در لجن‌زار عصر قاجار دست و پا می‌زد و بیشتر فرو می‌رفت؛ ترکان جوان، همسایه باختری ما - ترکیه کنونی و عثمانی پیشین - به رهبری هوشمندانه مصطفی کمال پاشا - آتاترک - در یک جنبش سریع

انقلابی توانستند به دوره خلافت پوسیده عثمانی نقطه پایانی بگذارند و کشورشان را در مسیر و رو به آینده‌ای روشن قرار دهند. اما این پیروزی زودیاب، غرور ملی و جاه‌طلبی گروهی از آنان را برانگیخت و بدین باور رسانید که گویا هم از لحاظ نژاد و نسب بر همه اقوام و تبارها و ملیت‌های کره‌زمین برتری و پیشی دارند؛ هم به جهت دیرینگی فرهنگی و تاریخی و مدنی. از این رو برای تحقق باورهای دور از واقعیت خود، زیر پرچم اندیشه، یا شعاری به نام «پان ترکسیم» به تکاپو برخاستند و در روزنامه‌ها و مجله‌های پرشمار ترکیه مطالبی هذیان‌وار مطرح کردند که گمان نمی‌رود با پذیرش آتاترک روبه‌رو شده باشند. نمونه‌ای از این گونه ادعاها را از کتاب: «پان ترکسیم و ایران» تألیف استاد کاوه بیات که پاره‌ای است از نوشته کسی به نام «توفیق بیگ» ملاحظه می‌فرمایید: «... تاریخ ترکیه نه تنها همانند تاریخ دیگر ملل آینده از وقایع پرافتخار است؛ بلکه فراتر از تمامی آنها نیز می‌رود. زیرا این ترک‌ها بوده‌اند که پیش از سایرین بر سرچشمه‌های تمدن امروزی دست یافته و آن را در اختیار جامعه بشری نهاده‌اند. تا همین اواخر یونانیان و رومی‌ها سرچشمه تمدن امروز تلقی می‌شدند. در حالی که امروزه ثابت شده است که تمدن یونانی اقتباسی است از تمدن ترک و بالاخره در سال ۱۳۱۱ / ۱۹۳۲ حاصل این بررسی‌ها و دلایل اثبات این مدعا، طی نظریه عجیب و نامعقولی موسوم به «گونش - دلیلی تئورسی» (تئوری خورشید- زبان) اعلام شد. بر اساس این نظریه، زبان ترکی نخستین زبان عالم هستی و سایر زبان‌های دنیا از مشتقات آن بودند. دست‌آوردهای بشری نیز کلاً منشأ ترک داشتند. تمدن‌های چین و هند باستان در پی عبور اقوام ترک آسیای میانه از آن سامان، بنیان یافته‌اند. و هیتی‌ها و سومریان که بنیانگذاران تمدن‌های بین‌النهرین بودند نیز در اصل ترک بودند.»^۱

روای نخستین آنان برپایی یک امپراتوری گسترده بود، مرکب از همه ترک‌تباران و ترکی‌زبانان جهان، که می‌بایست سراسر آسیای مرکزی و خاورمیانه و آسیای صغیر و بخشی از اروپا را نیز در بر می‌گرفت. اما پس از چندی دریافتند که جامعه عمل پوشاندن بدان خیالی است باطل؛ از این رو رهایش کردند و به آذربایجان ایران چشم طمع دوختند. ایالتی پهناور در همسایه ترکیه، آن هم با مردمی ترکی‌زبان، که در شرایط آشفته و نابه‌سامان عصر قاجار با آن رجال خائن و

۱. پان ترکسیم و ایران، کاوه بیات، ص ۱۰۶

ناکارآمد، به آسانی می‌شود از ایران جدایش کرد. بنابراین همه توش و توان و ظرفیت‌های سیاسی خود را در این راه به کار گرفتند. با راه‌اندازی مطبوعات و چاپ و نشر مقاله‌ها، سیلی از دروغ و جعل و انکار و اهانت به سوی ایرانیان جاری ساختند و هر چه دلشان خواست گفتند و نوشتند. در این گیر و دار، ناگهان سر و کله آدمکی پیدا می‌شود به نام «روشنی بیگ» که سال‌های سال در ایران به سر می‌برده و همواره از خوشرویی و مهمان‌نوازی ایرانیان برخوردار می‌بوده است. این مرد نمک به حرام همین که وارد ترکیه می‌شود و قلم برمی‌دارد، اعلان می‌کند که جایی به نام ایران و ساکنانی به نام ایرانیان اصلاً وجود ندارد. زیرا کوه و کمر و آبادی‌ها و شهرها گواهی می‌دهند که این آب و خاک ارث پدری ترکان است. اگر باور ندارید باز هم بنگرید به این نقل قول از کتاب: «پان ترکیسم و ایران» کاوه بیات: «... همین قدر می‌گویم در کوه‌های بزرگ ایران غیر از خون ترک، ردپای ترک، رد دیگر و خون دیگر وجود ندارد. این را هم اسامی کوه‌های ایران به ما معلوم می‌دارند. در آذربایجان ایران اقله سه، سه و نیم میلیون ترک وجود دارد در گیلان هم غیر از طایفه‌ای که به زبان (کلیکی) حرف زده و منسوب به ملت فارس می‌باشند. باقی دیگر تا صحرا همه ترکانند. [...] شمال ایران کاملاً ترک بوده، اشخاصی که در بحر خزر در کشتی‌ها عملگی می‌نمایند؛ از کاپیتان تا خدمتکار تماماً ترکند. [...] ما مدنیت فارس می‌شنویم اگر این مدنیت را تحلیل نمائیم خواهیم دید که علاقه این مدنیت بیشتر به ترک‌هاست نه فارس‌ها [...] چینی‌هایی که در ایران به عمل می‌آید. آنها را ترک‌ها می‌سازند. [...] ایران چطور زندگی می‌کند؟ غرض من از کلمه ایران ترک‌هایی است که در ایران زندگی می‌کنند. [...] این دولت چطور زندگی می‌کند؟ سیاست و وقایع روزمره، بعضی اوقات موجودیت آن چیزهایی را نشان می‌دهد که وجود خارجی ندارد. اگر ما به کنه مسأله پی ببریم و دقیق شویم؛ خواهیم دید که ایران هیچ‌چیز ندارد. ایران دولت ندارد! متجاوز از یک قرن می‌باشد که امپراطوری ایران وجود ندارد [...] اشخاصی را که ما در اسلامبول عجم نام نهاده‌ایم، آنها از محترمین ترک‌های ایرانند. ترک‌های قفقازیه به واسطه استیلای روس کم و بیش متمدن شدند. ولی ایران به ترک‌های اتباع خود تریاک کشیدن را از چین گرفته به آنها داده است. چیزی که

موجب حاکمیت فارس می باشد این قوت کشنده است [...]»^۱

ماجرای بی پایه پان ترکیسم، با جار و جنجال های مطبوعاتی روشنی بیگ و سلیمان نظیف و هم پالکی هاشان پایان نمی پذیرد؛ بلکه همچنان با دسیسه ها و فتنه انگیزی های رنگ به رنگ به شدت هر چه بیشتر ادامه می یابد. در همین سال های نزدیک، شخصی به نام «ناصر پورپیرار» عضو پیشین حزب توده، بیرون از مرزهای ایران با تولید کتاب چند جلدی «دوازده قرن سکوت! انصافاً! به سیم آخر زده و مرزهای فیزیکی و جغرافیایی، و پیشینه باستانی کشور ایران را بر روی کره زمین از بیخ و بن منکر شده است! چه رسد به هویت و ملیت و نژاد و نسب ایرانیان! وی با این کشف! یا اختراع عجیب! خیال خود و همه پان ترکیست ها را در ترکیه و اران آسوده گردانیده است. ما هم در پاسخ به این شعبده باز و جاعل کم نظیر و هم قلمانش از زبان فریدون توللی می گوئیم:

شرمتان باد ز هنگامه رسوائی خویش ای متاع شرف از وسوسه بفروختگان!

بازار این هیاهوها باز هم بیرون از مرزهای ایران گرم است و پررونق و پردرآمد برای سوداگران. اما در رویارویی با غوغاگران خودی و بیگانه، نخست از سوی بزرگان و دانشوران آذربادگانی مانند: تقی زاده، احمد کسروی، دکتر رضازاده شفق، عبدالحی کارنگ، دکتر منوچهر مرتضوی، یحیا ذکا، دکتر محمدعلی موحد، دکتر محمدجواد مشکور، فیروز منصوری، رحیم رئیس نیا، علی صادقی تبریزی، کاظم آذری سیسی و... به شیوه ای علمی و مستند و مستدل و همه سو نگر، کتاب ها و مقاله های پر شمار نوشته و منتشر شده است، نگاه به قلم دیگر هموطنان دوستدار یک پارچگی و ماندگاری ایران زمین از جمله: زنده یاد رشید یاسمی، دکتر عنایت الله رضا، کاوه بیات، میرزا شکورزاده، ملک الشعرا بهار، دکتر حمید احمدی، رجب ایزدی و دیگران کتاب ها و مقاله های سودمند و بایسته به چاپ رسیده است.

با این همه در این روزها که دشمنان ایران، تشنه تکه پاره شدن آب و خاک ما، از چهار طرف، با بهره گیری کامل از رسانه ها و دیگر وسایل ماهره ای، در سرعت بخشیدن به تبلیغ های ضد ایرانی خود با بوق و کرنا وارد کارزار شده اند؛ و از هیچ دروغ و تهمت و تحریفی دست برنمی دارند.

نویسنده این سطور که به کمبود دانسته‌های خود و کافی نبودن اسناد و مدارک مورد نیاز آگاهی کامل دارد؛ نتوانست در برابر این ژاژخایی‌ها و ادعاهای جان‌آزار خاموش بنشیند و سخنی نگوید؛ از این روی بدانگونه که ملاحظه خواهد شد؛ کتابی را تدارک و تدوین کرده است که در واقع مجموعه بسیار کوچکی است از نوشته‌ها، یافته‌ها و آموزه‌های مستند تاریخ‌پژوهان و ایران‌شناسان ایرانی و فرنگی، پیرامون تاریخ، فرهنگ، قومیت به ویژه زبان مردم آذربایجان، برای آن گروه از هم‌میهنان آذری‌مان که شاید به هر دلیل و علتی، شناخت چندانی از ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی و ملی زادگاه باستانی نیاکان خود- آذربایجان-، نداشته باشند و به همین جهت، خدای ناخواسته تحت تأثیر تبلیغات دروغین و فریبنده کسانی قرار گیرند، از جنس پان‌ترکیست‌های کمین‌کرده در دور و بر ایران‌زمین.

باری مطالب کتاب مورد نظر در دو بخش تنظیم شده است:

الف) گزارش‌هایی درباره جایگاه آذربایجان در تاریخ ایران از دوردست‌های تاریخ تا به امروز و مرزهای جغرافیایی، و زبان نخستین مردم، و پی‌گیری چند و چون راهیابی زبان ترکی به میان توده‌ها، از دوران فرمانروایان ساسانی و صفوی و قاجار بر ایران، آنگاه بررسی نقش روس و انگلیس، و دو ایل بزرگ شقاقی و شاهسون در عهد سلطنت دودمان قاجار، به عنوان عوامل و اسباب اصلی براندازی زبان باستانی پهلوی آذری در آذربایجان و نشان دادن گوبش نارسای ترکی تاتاری به جای آن. و در آخرین مرحله نگاهی به نیم‌زبان‌های تاتی و هرزنی و آذری، تنها بازماندگان زبان آذری در بسیاری از روستاهای آذربایجان کنونی؛ مانند: کرینگان، چای کنعی، ملک، ارزین و نیستان خوی نرو، و...

ب) پیوست‌ها: در این بخش، با نقل اسناد و مدارک بدون چون و چرای تاریخی، در سه عنوان جداگانه، به همه ایرادهای سراپا نادرست و ساختگی و من‌درآوردی پان‌ترکیست‌ها، پاسخ‌های درخور داده شده است.

در روزهای قراهم آوردن و نوشتن این کتاب، جدای از منابع و متن‌های معتبر و کم‌نظیری مانند: آذری یا زبان باستان آذربایجان احمد کسروی، و تاریخ ایران باستان حسن پیرنیا، یا

روزگاران دکتر زرین کوب، و تاریخ زبان فارسی دکتر خاخری، و تاریخ باستانی ایران ارنست هرتسفلد و...

کتاب دو جلدی: «تاریخ، زبان و فرهنگ آذربایجان» تألیف فیروز منصوری، متن عمده و بسیار سودمندی بوده است که با استناد بدان و نقل عین جمله‌ها و بندهایی از آن، جستارهای زیرین:

- زبان ترکی چه گونه و از کی به آذربایجان راه یافته است؟

- زبان مردم آذربایجان در دوره صفویان ترکی بوده است؟ یا آذری؟

- چه گونه گویش ترکی در عصر سیاه قاجار، با نقش و نیرنگ بیگانگان بر مردم آذربایجان

تحمیل شد؟

- نقش شاهسون‌ها و شقاقی‌ها و دیگر ایالات ترک، در دگرگون گردانیدن زبان آذربایجان، نوشته شده‌اند. همچنانکه در جستار: «پان ترکیسم و کارکرد فرهنگ و تاریخ ایران» از کتاب: «پان ترکیسم و ایران» کلاویهیات با نقل عین عبارت‌ها بهره‌ها برده‌ام. بحث پیرامون «بازمانده‌هایی از گویش «تاتی»، «هرزنی» و «آذری» در روستاهای آذربایجان، مستقیماً برگرفته‌ای است از کتاب: «تاتی و هرزنی» نوشته عبدالملی کارنگ بدون آنکه اینجانب در آن سهمی داشته باشد. بدین ترتیب آنچه به عهده این قلم بوده؛ گزینش و چینش متناسب و به جای استنادهای تاریخ است و گزارش آنها در چارچوبی درست و پذیرفتنی، از جای جای آثار درخشان پژوهندگانی که در زمینه فرهنگ و تاریخ آذربایجان ایران برای مردم، از خود به یادگار گذاشته‌اند، چراغ نام و یادشان همواره برافروخته باد.

کرج، آذر نود و نه

عزت‌الله فولادوند دورودی